



دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان

تعزیه در گیلان (۱)

فرامرز طالبی

عزت‌الله صمصام

www.ketab.ir

سرشناسه	: طالبی، فرامرز، ۱۳۲۹ -
عنوان و پدیدآور	: تعزیه در گیلان / فرامرز طالبی، عزت‌الله صمصام.
مشخصات نشر	: رشت: فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۳۲۶ ص.
فروست	: دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان ۵۹.
شابک	: دوره: ۵-۳۷۶-۱۹۰-۹۷۸-۹۶۴ ج. ۱: ۲-۳۷۷-۱۹۰-۹۷۸-۹۶۴ ج. ۲: ۹-۳۷۸-۱۹۰-۹۷۸-۹۶۴
موضوع	: تعزیه - ایران - گیلان - تاریخ.
موضوع	: تعزیه‌خوانان - ایران - گیلان.
شناسه افزوده	: صمصام، عزت‌الله، ۱۳۲۶ -
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ب ۲ ۷ الف / PIR ۴۲۱۲.
رده‌بندی دیویی	: ۵۱۲ / ۲ فا ۸.
شماره کتاب‌خانه ملی	: ۳۵۵۸۰۵۳.

دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان - ۵۹



تعزیه در گیلان (۱)

فرامرز طالبی، عزت‌الله صمصام

سرپرست مجموعه: فرامرز طالبی

آماده‌سازی و نسخه‌برداری: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا

چاپ نخست: ۱۳۹۳ - شمارگان: ۲۱۰۰ نسخه - شماره نشر: ۴۷۶

استفاده‌ی پژوهشی از این اثر با ذکر مأخذ آزاد است.

هرگونه استفاده‌ی تجاری از این اثر، به هر شکل، بدون اجازه‌ی کتبی ناشر، ممنوع است.

نشانی: رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان دکتر بهشتی (خ صفایی)، خ حاتم، شماره‌ی ۴۹.

تلفن: ۳۲۴۴۷۲۳ - ۳۲۴۴۷۳۲ - ۰۱۳۱ دورنگار: ۳۲۲۱۸۲۸

E.mail: nashreilia @ yahoo.com پست الکترونیکی:

سایت‌های اطلاع‌رسانی: www.nashreilia.ir و www.artguilan.ir

یادداشت شورای پژوهشی دانشنامه

ایران زمین، پهنه‌ی گسترده‌ای است با اقلیم‌ها، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون. شناخت و معرفی این اقلیم‌ها، نقشی بسزا در شکل‌گیری فرهنگ ملی دارد.

دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان بر آن است تا با معرفی ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی این بخش از سرزمین ایران، گامی کوچک در شناخت فرهنگ بومی و ملی بردارد.

این مجموعه با همراهی و همدلی گروهی از پژوهشگران فرهیخته‌ی دیارمان و با همت حوزه‌ی هنری گیلان و دوستانمان در انتشارات فرهنگ‌ایلیا به سرانجام رسیده است. تلاش همه‌ی آنان را ارج می‌نهم.

فرامرز طالبی مسعودپورهادی

هادی میرزائزاد موحد

یادداشت حوزه‌ی هنری گیلان

گیلان بی هیچ گزافه و گمان، یکی از کهن‌سال‌ترین زیستگاه‌ها و خاستگاه‌های فرزندان ایران زمین است. این سرزمین سحرانگیز و خرم چون رشک بهشت، فراخنای تاریخ ایران و فرازگاه تاریخ تشیع ایران است. گیلان از دیرین روزگاران، پناهگاه گریزندگان از ستم خلفا بوده و چه بسیار از دین‌داران و پناه‌آورانی که در این دیار بالیدند و با یاری مردمان آن، حکام جور و ستم را از تخت فروکشیدند.

این دیار همان دیاری است که علویان را از تیغ ستم خلفای اموی و عباسی پاس داشت، همان دیاری است که بیگانگان یونانی، عرب و ترک هرگز نتوانستند بر آن دست یازند و از آن باج ستانند.

ولی امروز از گیلان بزرگ چه مانده است جز نشانه‌هایی در دل کتاب‌های تاریخ و بناهایی که رو به ویرانی‌اند و یادها و نواهایی در باورها و آیین‌ها و آواهایی که بر زبان مردان و زنان این دیار به زیبایی نشسته‌اند و بر شیوه‌های زیست مردم این سامان دلالت دارند.

برای شناخت آنچه از این میراث بزرگ مانده است، باید گام‌های استوار برداشت و دستاورد پژوهش‌ها و تحقیقات اندیشمندان را گرد آورد و به نسل جوان و نسلی که فردای این دیار از آن اوست، سپرد.

شناخت و بازکاوی این زوایای آشکار و پنهان از سال‌ها پیش
اساسی‌ترین دغدغه‌ی فکری و فرهنگی ما بود و امروز دانشنامه‌ی
فرهنگ و تمدن گیلان گامی کوچک ولی محکم در راستای رسیدن به این
هدف است.

این مجموعه حاصل تحقیقات و پژوهش‌های جمعی از گیلان‌شناسان
زبده است. پُرب‌ی‌راه نیست که برنامه‌ریزان بتوانند از نتایج این مطالعات و
پژوهش‌ها در روند توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی برای
ترسیم چشم‌انداز آینده‌ی استان سود برند.

بر خود فرض می‌دانم از تمامی کوشندگان این کار سترگ، به ویژه
محققان و پژوهندگان، ناشر گرامی و شورای محترم پژوهشی دانشنامه‌ی
فرهنگ و تمدن گیلان تقدیر نمایم و سپاس‌گزار همه‌ی دوستانی باشم که
مشوق ما برای ادامه‌ی این راه هستند.

غلامرضا قاسمی

فهرست (جلد نخست)

۷	سرآغاز
۱۳	درآمد
۲۱	تعزیه‌ی گیلان
۲۳	تعزیه‌ی گیلان از آغاز تا سال ۱۲۹۹
۲۵	گزارش روزنامه‌های دولتی دوره‌ی قاجار
۲۹	گزارش‌های دیگر
۳۸	نگاهی به موقعیت تعزیه‌ی این دوره
۴۳	تعزیه‌ی گیلان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۰۰
۴۸	خاموشی؛ جلوگیری از اجرای مراسم تعزیه
۵۰	بار دیگر پرواز؛ تعزیه از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۲۰
۵۳	تکيه‌های ویران
۵۵	تعزیه‌خوان‌های دوره‌گرد در سفری دور و دراز
۶۰	نگاهی به موقعیت تعزیه‌ی گیلان در این دوره
۶۵	تعزیه و دیوارنگاری‌های مذهبی
۶۹	تعزیه‌نامه‌های گیلان در مجموعه‌ی انریکو چرولی
۷۹	نمونه‌ای از تعزیه‌نامه‌ی نسخه‌ی رشت
۸۱	تعزیه‌نامه‌های ویژه‌ی گیلان
۸۲	تعزیه‌نامه‌ی شاهزاده ابراهیم (ع)
۹۰	تعزیه‌نامه‌ی سیدجلال‌الدین اشرف (ع)
۱۰۲	چوپان در تعزیه‌ی دو طفلان مسلم به گویش رودباری
۱۰۳	تعزیه و حس ملی

۱۰۸	تغزیه‌نامه‌ی تازه‌ساز
۹۸	سوگ‌نامه‌ی مولا علی (ع) به زبان گیلکی دیلمی
۱۰۸	تغزیه‌نامه‌ی تازه‌ساز
۱۱۱	جایگاه تغزیه‌ی گیلان
۱۱۹	تغزیه و زنان
۱۲۱	موسیقی تغزیه
۱۲۹	شبییه در تغزیه
۱۳۶	پی‌نوشت‌ها

فهرست مطالب جلد ۲

۱۵۷	بانیان تعزیه
۱۸۹	گروه‌های تعزیه‌خوان
۲۰۳	برخی از بزرگان تعزیه
۲۲۳	دیدار با برخی از تعزیه‌خوان‌ها
۲۴۱	پایان سخن
۲۴۲	پی‌نوشت
۲۴۷	کتاب‌نامه
۲۵۴	نمایه
۲۸۳	آلبوم تصاویر

برای لاله تقیان و جلال ستاری

سرآغاز

۱. سرزمین گیل و دیلم از سده‌ی دوم قمری، گستره‌ی امنی برای علویانی بود که زیر تیغ خلفا بودند. آن‌ها ناگزیر به سوی سرزمین‌های شمالی ایران مهاجرت کردند و در این جا بومی شدند و آرمان‌های خود را ورز دادند و جان گرفتند و قدرتی به هم زدند «تا آن‌جا که صدای‌شان در جهان اسلام پیچید» (نک. پناهی: ۱۳۹۱). از دل علویان در سرزمین دیلمان، حکومت زیاریان شکل گرفت و زآن پس بویان قدرتی به هم زدند و میراث خود را از دیلمان تا بغداد گسترش دادند و خلیفه را از تخت به‌زیر آوردند و اول بار مراسم تعزیت امام حسین (ع) را در بغداد برپا کردند. پیام تعزیه که خود ریشه در فرهنگ ایران دارد، همان پیام علوی است که در گیلان ریشه داشت. از این رو برخی زادگاه و سرچشمه‌ی تعزیه را سرزمین گیلان می‌دانند. پژوهش‌هایی صورت گرفته در قلمرو تعزیه، گاه این ادعا را تقویت می‌کند.

۲. اول‌بار غربی‌ها بودند که به هنگام تماشای تعزیه به آن خیره ماندند و به عنوان نمایش آیینی آن را ستودند و بسیاری از تعزیه‌نامه‌ها را گرد آوردند و با خود به اروپا بردند. برخی به ترجمه‌ی این متون پرداختند و گاه با نگاه پژوهشی، متنی درباره‌ی تعزیه نوشتند و آن را پُرآوازه کردند. آوازه‌ی تعزیه‌ی ایران از اروپا به گوش روشنفکران ایران رسید. تعزیه پس از انقلاب مشروطیت، به‌عنوان آیینی سنتی، در برابر مدرنیته سخت زیر

فشار قرار گرفت و در این راه قربانی شد و روح و روان خود را از دست داد. از این رو است که هیچ متنی درباره‌ی تعزیه در نشریه‌های دوران مشروطیت دیده نشد و در عوض در روز سه‌شنبه چهارم ربیع‌الاول سال ۱۳۲۶ ق، اولین «روزنامه تیاتر» توسط میرزا رضاخان طباطبایی نایینی، به اندازه‌ی رحلی، در ۴ صفحه در تهران نشر یافت. در اولین سرمقاله‌ی این روزنامه آمده است: «این روزنامه بی‌غرضانه آیین‌های اعمال نیک و بد سابقین و لاحقین است... و «عقیده‌ی عقلای عالم و حکمای بنی‌آدم در این مسئله مسلم است که تبدیل اوضاع بربریت و تکمیل لوازم تمدن و تربیت در هیچ مملکت ممکن نخواهد شد، مگر به ایجاد سه چیز که اصول (سیویلیزاسیون) و ترقی و تمدن می‌باشد... اول مدرسه... دوم روزنامه... سیم تیاتر» (طباطبائی نایینی: ۲۰؛ ۲۱). بر اساس متن کتاب‌شناسی تعزیه (قیان و کیانفر: بهار ۱۳۷۰: ۲۶۵-۴۱۰) که همانند بیشتر کتاب‌شناسی‌ها بروز نیست، پس از مشروطیت اول‌بار در سال ۱۳۳۰ خورشیدی، تعزیه‌نامه‌ای با این مشخصات به چاپ رسید: - پلی، سرلویس. تعزیه‌ی شهادت مسلم‌بن عقیل، کانون کتاب، تهران: ۱۳۳۰، مصوّر.

سرلویس پلی در سال ۱۸۷۹ در لندن تعزیه‌ی حسن (ع) و حسین (ع) را منتشر کرده بود و در پس آن، ترجمه‌ی ۳۷ مجلس تعزیه را در دو جلد به زبان انگلیسی به چاپ رساند (همان: ۲۷۰).^۱ اولین مقاله درباره‌ی تعزیه در سال ۱۳۳۲ با عنوان «دسته‌گردانی و شبیه‌خوانی از چه زمانی شروع

۱. در همین کتاب‌شناسی جدا از این اثر، تعزیه‌نامه‌ی دیگری توسط کانون کتاب به چاپ رسیده که بدون تاریخ است. احتمالاً این کتاب نیز در همان سال‌ها چاپ شده است، به این نشانی: پلی، سرلویس؛ تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام و طفلان زینب و غلام ترک، تهران: کانون کتاب، ۱۳۱ ص.

شد؟» به قلم ناصرالدین شاه‌حسینی نشر یافت (همان: ۲۸۵). از همین سال تا پایان دهه‌ی ۳۰ چند مطلب درباره‌ی تعزیه به چاپ رسید که آن‌ها را می‌توان در ۲ رده دسته‌بندی کرد:

الف. معرفی تعزیه با مطالبی از ابوالقاسم جنتی عطایی (۱۳۳۲)، علی جواهرکلام (۱۳۳۴)، عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۳۷) (همان: ۲۸۵-۲۸۲).

ب. مقایسه‌ی تعزیه با نمایش‌های مذهبی اروپایی، با مطالبی از دکتر مهدی فروغ (۱۳۳۵) (همان: ۲۸۵) و امیرحسین جهانگیرلو (۱۳۳۶) (همان: ۲۸۲) و ...

به استناد کتاب‌شناسی تعزیه، در دهه‌ی ۴۰، مطالب درباره‌ی تعزیه از عمق بیشتری برخوردار شد. در این دوره پرویز ممتون پایان‌نامه‌ی دکتری «تاثیر خود را با عنوان تعزیه (به زبان آلمانی) در شهر وین به‌پایان برد (همان: ۲۷۴). همو «گفت‌وگو با پیتر بروک»، «تعزیه‌ی ایرانی در زبان‌های اروپا»، «تعزیه‌خوانی از دوره‌ی صفوی است»، «تعزیه تمامیت آرزویی که برشت داشت» و ... (همان: ۲۹۶) را در همان سال در مطبوعات ایران چاپ کرد و نصرت‌الله باستانی مقاله‌هایی در باب شبیه‌خوانی و تعزیه قلمی کرد (همان: ۲۷۷). بهرام بیضایی کار معرفی و پژوهش تعزیه را با چاپ تعزیه‌نامه‌ی «بازار شام» در سال ۱۳۴۰ آغاز کرد. چاپ تعزیه‌نامه‌ی «شمر و عباس» و «مجلس فتاح‌شاه» و ... (همان: ۲۷۷، ۲۷۸) و ... از دیگر کارهای او در این دهه است. کار بزرگ او در این دهه، چاپ کتاب نمایش در ایران (۱۳۴۴) است (همان: ۲۷۰). فصل تعزیه‌ی این کتاب اولین کوشش جامع برای شناخت بنیادهای تعزیه در ایران است. در پایان این دهه سازمان جشن هنر، پژوهشگران تعزیه را گرد خود آورد و ناشر پرآوازه‌ی تعزیه‌نامه‌ها و آثار تعزیه‌شناختی در ایران شد.

بر اساس کتاب‌شناسی تعزیه، همین جریان در دهه‌ی ۵۰ نیز ادامه یافت. سازمان جشن هنر چند کتاب از جمله «تاثیر ایرانی (۳ مجلس تعزیه)

به کوشش مایل بکتاش و فرخ غفاری (۱۳۵۰)، متن تعزیه‌ی حُر به کوشش پرویز صیاد، تعزیه و تعزیه‌خوانی اثر صادق همایونی، موسیقی مذهبی ایران اثر حسن مشحون و ... را نشر داد. در همین دوره مرکز مردم‌شناسی ایران در وزارت فرهنگ و هنر، به عنوان مرکزی برای پژوهش‌های تعزیه کار خود را شروع کرد؛ محمد میرشکرایی پایگاه اجتماعی تعزیه و تعزیه‌خوانی در تفرش را نوشت و مرتضی هنری تعزیه در خور را در همین مرکز منتشر کردند. در این دهه نگاه به تعزیه به عنوان یک مقوله‌ی فرهنگی ایرانی همه‌گیر شد و جدا از بزرگانی چون دکتر محمود روح‌الامینی، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب و منوچهر آتشی ...، بسیاری دیگر درباره‌ی تعزیه نوشتند. در این میان باید از تلاش هوشمندانه‌ی دکتر محمدحسین محبوب یاد کرد که بسیار درباره‌ی تعزیه نوشت و ایده‌های نو طرح کرد. با تأسیس دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک به مدیریت استاد مهدی فروغ و رشته‌ی تئاتر دانشکده‌ی هنرهای زیبا در دانشگاه تهران (به‌ویژه به هنگام مدیریت بهرام بیضایی)، نگاه به تعزیه، امر جدی تلقی شد. برخی از استادان فن، دانشجویان خود را موظف کردند که پایان‌نامه‌های خود را در معرفی تعزیه‌ی ولایت خود بنویسند. در کتاب‌شناسی تعزیه مشخصات برخی از این پایان‌نامه‌ها آمده است: تعزیه در سبزوار (محمود خلیفی / ۱۳۴۹)، تعزیه در بابل (حسن قنادزاده / ۱۳۴۹)، گزارشی از تعزیه‌خوانی در سیرجان (محمود تاج سلیمان / ۱۳۵۴)، تعزیه در شهرستان کازرون (عبدالباقی سلامی / ۱۳۵۵)، تعزیه‌ی سیار در اراک (سیدهادی اشرفی / ۱۳۵۷) و ... (همان: ۲۷۴-۲۶۹).

۳. در آغاز سال ۱۳۹۰ در پی شناخت تعزیه‌ی گیلان برآمدیم. در این زمان تنها متن مستقل در شناخت تعزیه‌ی گیلان را علی حاج‌علی‌عسکری

به سفارش اداره‌ی کل ارشاد اسلامی گیلان نوشته اما منتشر نشده بود. تمام متون درباره‌ی تعزیه را زیر و رو کردیم، گاه تصویرهای بریده بریده‌ای از مقاله یا کتابی را فیش‌نویسی کردیم و گرد آوردیم و سپس به شرق، غرب، جنوب گیلان رفتیم و پای صحبت تعزیه‌دان‌ها و تعزیه‌خوان‌ها نشستیم؛ پرسیدیم، جواب گفتند و در نهایت نتوانستیم به حلقه‌های گم‌شده‌ی تعزیه‌ی گیلان دست یابیم، چراکه بزرگان تعزیه‌ی گیلان روی در خاک کشیده بودند و آن‌هایی که مانده بودند به علت کهنسالی، اندک خاطراتی داشتند از روزگارانی که خود تعزیه می‌خواندند و اسناد راهگشایی نیز در میان ما نبود. در رده‌بندی موضوعی این کتاب به لحاظ تاریخی، به علت نداشتن اسناد کافی درباره‌ی تعزیه‌ی گیلان، با مشکل روبه‌رو بودیم. به‌ناچار، روند پی‌گیری تاریخی تعزیه در گیلان براساس تحلیل وقایع ادواری تاریخ ایران در نظر گرفته شد.

□

بسیاری کسان در فراهم‌آوری این مجموعه یارمان بودند. در آغاز از طاهر طاهری یاد می‌کنیم که تمام متن کتاب را واژه به واژه خواند و چندین صفحه یادداشت در اختیارمان گذاشت که بسیار راهگشا بود. سپاسگزاریم از ابوالقاسم جلیل‌پور که کتاب نگاهی به دیروز کوچصفهان خود را پیش از چاپ به ما داد و نیز یادداشت‌های دست‌نویس رمضان باغبانی طالعی تعزیه‌خوان را به ما سپرد. سپاسگزاریم از هوشنگ عباسی که کتاب چاپ‌نشده‌ی سیمای حضرت علی (ع) در فرهنگ مردم گیلان خود و نیز کتاب چاپ‌نشده‌ی زنده‌یاد استاد فریدون پوررضا درباره‌ی موسیقی گیلان را در اختیارمان گذاشت. همچنین سپاسگزاریم از حمید نظرخواه که مجموعه‌ای غنی از عکس‌های تعزیه و تعزیه‌خوان‌ها و نیز شناسنامه‌ی کاری چند تعزیه‌خوان را به ما سپرد. همچنین سپاسگزاریم از

علی امیری که دستمان را گرفت و به لنگرود برد تا با تعزیه‌خوان‌های این ولایت آشنا شویم و هم پذیرفت تا برای این کتاب به دنبال زندگی‌نامه‌ی نانوشته‌ی قاسم سیاه - قاسم ناظم الهامی - تعزیه‌خوان بزرگ گیلان برود و مثل همیشه با دست پُر برگشت و سپاسگزار سازمان اسناد ملی گیلان هستیم که با کمک علی امیری به اسناد تعزیه‌ی آن دست یافتیم. سپاسگزار مصطفی رحیم‌پور هستیم که ما را در خانه‌ی روستایی خود پذیرفت و خاطره گفت و تعزیه - با عزت‌الله صمصام - خواند و تصویر چندین تعزیه‌خوان را چاپ شده در اعلامیه‌ای در اختیارمان قرار داد. با سپاس از قاسم غلامی گفته‌رودی که خود تعزیه‌پژوه برتر گیلان است و دستی پُر در زندگی فرهنگی مردم گیلان دارد. و سپاس از عزیزانی که به هر شکل، راهنمایی برای ما در اراندی این کتاب بودند؛ محمدحسین صمصام که خاطره گفت و تصویر در اختیارمان قرار داد، هوشنگ فنونی از نام‌آوران شریف تعزیه‌ی گیلان که با حوصله برای این کتاب متن نوشت، علی بهکیش که از تعزیه‌ی لشت‌نشا گفت، خانم حاج رضایی که اندک اطلاعات موجود درباره‌ی تعزیه در ضیابر را در اختیارمان قرار داد، ناصر وحدتی و ایرج هدایتی شهیدانی، زنده‌یاد اباذر غلامی، محسن گلشایی، نجم‌الله مهرپور، آرش شعاع شرق و اشکان صمصام که هریک به طریقی باورمان بودند. همچنین سپاسگزاریم از همه‌ی تعزیه‌خوان‌ها و تعزیه‌دان‌ها - در متن به تفصیل از آن‌ها یاد شده - که ما را در قهوه‌خانه، مسجد، بقعه و خانه‌ی خود پذیرفتند.

و در پایان سپاسگزاریم از همکارانمان؛ هادی میرزائزاد موحّد که این متن را به دقت خواند و نکاتی را یادآور شد و خانم متین باقری و وحید باقری که در حروفچینی، نمایه‌سازی و تنظیم تصاویر، یاری‌مان کردند.